

آینه

انتقاد

اختلافات آمریکا-روسیه

● **شعبیه بهمن**: در حال حاضر در مسائلی که روسیه و آمریکا درگیر آن هستند چشم‌انداز بسیار مبهمی برای آینده آن وجود دارد. به این دلیل وقتی که در تکتک حوزه‌های مورد جالش دو کشور ورود پیدا می‌کنیم شاهد آن هستیم که اختلاف‌نظر بین دو طرف بسیار زیاد است. در مسئله ونزولنا روسیه و آمریکا روبه‌روی هم قرار گرفته‌اند. روسیه از دولت قانونی مادورو حمایت می‌کند و آمریکا در تلاش برای کودتای سیاسی در این کشور است. در نتیجه این دوگانگی و تضاد در همه عرصه‌ها قابل مشاهده است. در مورد سوریه شاهد چنین روندی هستیم. در حالی که روس‌ها از دولت قانونی اسد حمایت می‌کردند، آمریکایی‌ها از راه‌های مختلف تلاش کردند تا دولت اسد را سرنگون کنند. درخصوص ایران و شرایطی که آمریکایی‌ها حتی تهدید به درگیری نظامی می‌کنند و تمامی توافقنامه‌ها یا ایران را زیر پا گذاشتند و نقض کردند مشاهده می‌کنیم که روس‌ها نگاه دیگری دارند و از ایران در سطح بین‌المللی حمایت می‌کنند. در رابطه میان آمریکا و ایران، روس‌ها همواره بازیگر تعیین‌کننده‌ای بودند. اگرچه در دوره اخیر مذاکرات که به برجام منتهی شد و بیشتر مذاکرات میان ایران و آمریکا بود، این واقعیت را نباید نادیده گرفت که روس‌ها در مواقع حساس نقش خود را ایفا می‌کنند. آنها یا به عنوان میانجی یا به عنوان بازیگری که سعی داشته نزدیک به ایران عمل کنند وارد صحنه شده‌اند اما در حال حاضر می‌توان گفت با توجه به افزایش تنش میان ایران و آمریکا هنوز روسیه وارد فاز کاشش تنش میان طرفین نشده است.

ایران

تصویب لایحه شفافیت: یک موفقیت کوچک

● **محمد فاضلی، عضو هیأت علمی دانشگاه شهید بهشتی**: لایحه جامع شفافیت در صورت تصویب در مجلس و تبدیل‌شدن به قانون، برای اولین بار معنای خاصی به واژه «عمومی» در اصطلاح «سازمان‌ها و مؤسسات عمومی» می‌دهد. واژه عمومی درباره این مؤسسات و سازمان‌ها همواره به‌کار رفته است اما به‌واقع بی‌معنا بوده است. سازمان‌هایی که از منابع عمومی استفاده کرده‌اند اما دسترسی عموم مردم به اطلاعات آنها - منابع، فرصت‌ها، مشاغل، ساختار، مدیریتی و کارکنان - ممکن نبوده و عملاً مردم هیچ امکانی برای نظارت مؤثر بر آنها نداشته‌اند. موادی از این لایحه تصریح می‌کند که سازمان‌های عمومی باید فرصت‌های استخدامی، فرصت‌های سرمایه‌گذاری و سایر اطلاعات مربوط به فعالیت‌های خود را منتشر کرده و در دسترس عمومی قرار دهند و به همین ترتیب بر سازمان‌ها تکلیف می‌کند که اطلاعات آماری خود را در پایگاه اطلاع‌رسانی مؤسسه منتشر کنند. این لایحه حق دسترسی شهروندان به اطلاعات عمومی موجود در مؤسسات عمومی و مؤسسات خصوصی ارائه‌دهنده خدمات عمومی را برای شهروندان مجاز می‌سازد. اطلاعات است که در شهروند قدرت پدید می‌آورد و اجرای این لایحه بعد از تصویب به صورت قانون، قدرت شهروندان را افزایش خواهد داد.

کیهان

● **جرامی ترسانند؟**

● **جعفر بلوری**: می‌گویند: هر چقدر دشمن جلو آمد و هر غلطی که کرد نباید تهدیدش کرد، اگر در کشور دیگری علیه دشمنان ما عملیاتی شد نباید خوشحال شد؛ باید مشکلات را تحت هر شرایطی با مذاکره و لیجند حل کرد. دنیا، دنیای گفتمان است. شش سال است که این را می‌گویند. اسمش را هم گذاشته‌اند، «تنش‌زدایی، گفت‌وگو با زبان دنیا، دیپلماسی، فهم منافع ملی و...». زیباست. عقلانی و همه‌پسند است اما تا وقتی که، آن کشورهایی که «دنیا» جا می‌زنندش هم با همین دست فرمان حرکت کنند. اینکه ما لیخند بزنیم، به تعهداتمان مو به مو و بیش از آنچه وعده داده‌ایم عمل کنیم اما آنها تحریم‌مان کنند، تحقیرمان کنند، زیر تعهداتشان بزنند صحبت از دیپلماسی، شبیه به جوک است... و چه جوک تلخی!

سرن

کدام بلوف یا کدام تهدید؟

● **علی خرم**: در روابط بین‌الملل اگر کشوری بلوف طرف مقابل را تهدید فرض کند خطرناک است. در حالت اول ابزوی کشور هدر می‌رود و ارکان و اجزا را درگیر می‌نماید ولی در حالت دوم امنیت ملی کشور را به خطر انداخته و ممکن است باعث درگیری شود. چونگی تشخیص این دو حالت از یکدیگر معمولاً برای کشورها دشوار است و از یک سو نیازمند اشراف کشور خودی به شرایط بین‌المللی و از سوی دیگر نیازمند آگاهی کامل به نیت و اهداف کشور دشمن نسبت به کشور خودی است. حالت سوم، نیازمند بهره‌مندبودن از افرای اطلاعاتی متخصص و دارای دانش و تجربه به بتوانند با توجه به شرایط درونی و بیرونی کشور، حدوداً تشخیص دهند که کدام یک بلوف است و کدام یک تهدید. و حالت چهارم مدیرانی می‌خواهد مدیر که تصمیم‌گیری صحیح و سنجیده بنمایند. اکنون ما در معرض آزمایش قرار داریم. تیم تندروی اطراف دیواند ترامپ سیاست خودش را کام به کام در جهت تنگ‌ترکردن حلقه محاصره به پیش می‌برد و پس از واردآوردن فشارهای حداکثری اقتصادی، اکنون وارد فاز جدید شده تا به اهداف خود برسد.

politics@sharghdaily.ir

سیاست

گفت‌وگو با علیرضا بهشتی درباره بهنگامی و نابهنگامی تصمیمات سیاسی

اکنون چه باید کرد؟

مسئولان از عذرخواهی نترسند و گذشته را جبران کنند



عکس: سپند تاک، شرق

مهرشاد ایمانی: نظام جمهوری اسلامی ایران پس از گذشت چهار دهه از عمر خود فراز و نشیب‌های بسیاری را تجربه کرده است؛ در همه این سال‌ها سیاست‌های مسئولان نظام گاه باعث شکوفایی اقتصادی و توسعه سیاسی شده و گاه سیاست‌های عقب‌مانده از خواسته‌های مردم، منجر به بروز شکاف میان دولت و ملت شده است. هم‌زمانی سیاست‌های نابهنگام داخلی با معضلات بین‌المللی، زمینه ایجاد انواع مشکلات سیاسی و اقتصادی را فراهم می‌کند؛ امری که شاید در مقطع کنونی بیش از گذشته شاهد آن باشیم. هرچند در حوزه بحران‌های خارجی هدایت همه رخدادها در اراده مسئولان ایران نیست، زیرا مشخصاً برجام نشان‌دهنده حسن‌نیت ایران برای تعامل با عرصه جهانی بود که با سازهای مخالف آمریکا از کارکرد اجرائی با‌زمانه؛ بنابراین در شرایطی که بخش عمده‌ای از بحران‌های موجود در دست مسئولان نیست، ضرورت دارد سیاست‌های کلی ایشان بر محور خواسته‌های عمومی و مصالح ملی باشد؛ موضوعی که شاید در شرایط فعلی بیش از پیش باید به آن توجه کرد تا مردم و مسئولان بتوانند از بیچ تند حوادث فعلی به سلامت عبور کنند. علیرضا بهشتی باور دارد که سیاست‌های نادرست مسئولان، چه در دوره فعلی و چه پیش از آن، باعث دلزدگی مردم از امر سیاست شده است؛ او معتقد است که تقابیل مسئولان با مردم به کاهش سرمایه اجتماعی منجر می‌شود و برای جبران آن باید مسئولان مربوطه به‌صراحت در پیشگاه ملت عذرخواهی کنند تا باب گفت‌وگوی ملی باز شود. برای بررسی چگونگی بازگشت به مردم و گذر از بحران‌های فعلی ساعتی را با این فعال سیاسی به گفت‌وگو نشستیم که مشروح آن را در ادامه می‌خوانید.

نمی‌کنند. فهم درد مردم یک هنر است و برخی از استفاده از این هنر عاجزند. مسئولان در یک شبکه درهم‌تنیده فقط مشکلات خود را حل می‌کنند و وضعیت زندگی مردم برایشان قابل لمس نیست؛ حتی آتهایی که ادعای سادزدستی دارند نیز قادر به لمس مشکلات نیستند زیرا مسئولان سادزست هم با امکانات و دسترسی‌های خاص، کارهای خود را پیش می‌برند. برای مثال، مسئولی که قصد سفر دارد، دغدغه خرید بلیت هواپیما یا رزرو هتل محل اقامت خود را ندارد یا اگر بیمار شود، نگران سرویس درمانی نیست یا برای ثبت‌نام فرزندش در مدرسه به مشکل برنمی‌خورد. به‌دلیل چنین فاصله‌ای، درک مردم از وضعیت داخلی و خارجی با درک مسئولان متفاوت است و برای تطبیق سیاست‌گذاری‌ها با خواست و اراده مردم باید شیوه زندگی مسئولان شیبه مردم شود.

❧ برای تکمیل این بحث می‌توان به نمونه‌های دیگری نیز اشاره کرد؛ برای مثال، تفاوت دیدگاه بخشی از جوانان با مسئولان در حوزه موسیقی آن‌قدر فزونی یافت که پیامدش ایجاد گروه‌های زیرزمینی شد و در پی آن برخورد‌های سلبی با متقاضیان سبک خاصی از موسیقی در گرفت. علاوه بر تطبیق‌نداشتن سیاست‌های راهبردی و اجرائی با خواست مردم، آیا دوگانگی فکری نیز می‌تواند زمینه جدایی مردم از مسئولان را فراهم کند؟

در جهان جدید پرسش‌های نو باسرعت ایجاد و پرسیده می‌شود. مدیریت خوب آن است که بتواند به چنین دغدغه‌هایی پاسخ معقول و منطقی دهد و آمادگی حل گرهِ‌های ذهنی مردم را داشته باشد. مسئولان به دلیل ناتوانی یا نداشتن اراده لازم همواره می‌خواهند مشکلات را به تعویق بیندازند و در مواجعه با هر نوع بحران عملی یا نظری دچار عجز می‌شوند. در واقع مسئولان هنگام پیشامد یک دغدغه اجتماعی و سیاسی یا با فشار اجتماعی سکوت می‌کنند و به عقب می‌روند یا آنکه در مقابل خواست مردم می‌ایستند؛ در صورتی که قرار نبود میان مسئولان و مردم جدال باشد، بلکه قرار بود همه امور بر اساس تعامل میان ملت و دولت پیش برود. بی‌تردید چنین دیدگاهی نسبت به خواسته‌های مردم یکی از مهم‌ترین سیاست‌های نابهنگام است که در طول چهار دهه مشاهده کرده‌ایم؛ برای مثال، به‌یاد داریم در برهه‌ای ویدئوها و ماهواره‌ها با برخورد‌های نامتعارف از خانه‌های مردم جمع می‌شد. وقتی مردم می‌بینند حاکمیت چنین رفتاری می‌کند، با تجربه تاریخی خود در عرصه سیاست مشارکت نمی‌کنند و می‌دانیم، مشارکت هزینه جملاتی را کاهش می‌دهد زیرا خرد جمعی باعث بهره‌گیری از همه تجربیات می‌شود. همگام‌نبودن مسئولان با مردم در حوزه اندیشه و عمل گرچه در کوتاهمدت آثار زیان‌بار خود را نشان نمی‌دهد اما در بلندمدت کشور، مردم و نظام سیاسی مستقر را دچار چالش می‌کند.

❧ **تجربیات زیسته انقلاب اسلامی بعد از چهار دهه**

از یاد نبرند که به انتخاب مردم برای خدمت به مردم روی کار آمده‌اند. وقتی اهداف و رمز موفقیت انقلاب اسلامی را مرور می‌کنیم، درمی‌یابیم که مردم نباید نقش تزئینی داشته باشند. طبیعی است که وقتی اصل حاکمیت مردم مورد خدشه واقع شود و عده‌ای با توجیهات مختلف سعی کنند این اصل مهم را به حاشیه ببرند، مردم احساس ناامیدی می‌کنند و باز هم سرمایه اجتماعی بیشتری از بین می‌رود.

❧ **همان‌طور که اشاره کردید، با مرور آرای امام درمی‌یابیم که ایشان آن‌قدر به حق حاکمیت مردم باور داشتند که در شرایط جنگ و بمباران هم حتی اجازه نمی‌دادند یک روز انتخابات به تعویق بیفتد. چه مسیری طی شد که چنین دیدگاه آزاداندیشانه‌ای از سوی برخی از مسئولان کم‌رنگ شد؟**

وقتی مکانیسم‌های عیب‌یابی در هر نظام سیاسی زنده نگه داشته شود، جلوی بی‌قانونی‌ها و افراط‌گری‌ها گرفته می‌شود؛ چنان‌که در ابتدای انقلاب نیز تا حدی همین‌گونه بود. در ماجرای دادگاه‌های انقلاب با شیوه کار صادق خلخالی برخورد شد. خلخالی کسی بود که از ملی‌شدن صنعت نفت و سپس ۱۵ خرداد سال ۴۲ تا انقلاب اسلامی فعالیت‌های سیاسی گسترده‌ای داشت؛ اما وقتی پا در عرصه افراط گذاشت، با او برخورد شد. شاهد مثال این موضوع تعهدی است که شهید بهشتی از او گرفت و خلخالی خط‌به‌خط تعهدنامه را امضا کرد که متن آن در کتاب زندگی و زمانه منتشر شده است؛ اما باید به یاد داشته باشیم که در ابتدای انقلاب به دلیل آنکه یک سیستم حکومتی تغییر کرده بود، تعدد مراکز تصمیم‌گیری وجود داشت و در چنان شرایطی معمولاً تصمیم‌های افراطی گرفته می‌شود. در واقع تشکیل کمیته‌های تسند و خارج از قاعده نیست بلکه رسمیت‌یافتن آنهاست که راه را بر هرگونه شفافیت می‌بندد و به‌تدریج مردم احساس می‌کنند که مسئولان به واسطه قدرتی که در اختیار دارند، می‌توانند در قبال رفتارها و تصمیمات خود پاسخ‌گو نباشند و این می‌شود که لایه‌های فساد گسترش و اعتماد عمومی کاهش می‌یابد. متأسفانه یکی دیگر از سیاست‌های مخرب، می‌تواند ایجاد حیا‌خلوت‌هایی باشد که هیچ‌کس نمی‌تواند ایجاد حیا‌خلوت‌هایی باشد که هیچ‌کس جز عده‌ای خاص به آنها دسترسی ندارد؛ در صورت وجود چنین حیا‌خلوت‌هایی آن عده هر کاری که می‌خواهند، می‌کنند و به هیچ‌کس هم پاسخ‌گو نیستند. در دهه نخست انقلاب که جنگ در میان بود، دولت مهندس موسوی در نامه‌ای از شورای نگهبان درخواست کرد که هزینه ارزی در بودجه بررسی شود. جنگ که تمام شد، شورای نگهبان گفت ذکر هزینه‌های ارزی در بودجه ضروری نیست و باید از بررسی مجلس بیرون بیاید.

❧ **دولت آقای هاشمی در این موضوع نقش داشت؟**

بله، اصلاً خود ایشان در استفساریه‌ای از شورای نگهبان درخواست کرد که دیگر هزینه ارزی در بودجه بررسی نشود. من با اشخاص کاری ندارم؛ اما باید حقایق را به طور کامل به مردم گفت. به‌هرحال اگر می‌پرسید که وضعیت کنونی معقول چه علت‌هایی است، باید صادقانه بگویم که نتیجه آماری است که در دهه‌های اخیر مسئولان به مردم دادند که نتیجه نوع تفکری است که اعتقاد دارد این‌گونه تحمل‌کردن بهتر است.

❧ **یکی دیگر از موضوعات مهم نقش و جایگاه جامعه مدنی در تعیین و تعیین‌انداختن انتخابات را چه‌طور در دهه گذشته تا چه حد به این موضوع توجه شده است؟**

ما تجربه یک جامعه مدنی قدرتمند را نداریم. اگر جامعه مدنی مستحکمی در ایران وجود داشت، هیچ‌گاه نگران به‌انحراف‌رفتن روند‌های موجود نبودیم. زمانی که جامعه مدنی تضعیف شد، آسیب شدیدی به جامعه وارد آمد؛ زیرا مسئولان خود را موظف به پاسخ‌گویی در قبال مردم ندانستند و زمینه‌های گسترش فساد اداری و سیاسی فراهم شد. مردم در چنین شرایطی احساس کردند که در تعیین سرنوشت خود مؤثر نیستند؛ وقتی دولت برای بهبود شرایط کاری نکرد، مردم با این حس که از دست ما کاری برنمی‌آید یک گام به عقب رفتند تا فقط کلیم خود را از آب بیرون بکشند. چنین وضعیتی تا امروز هم ادامه پیدا کرده و بسیار خطرناک است، زیرا خودخواهی، منفعت‌طلبی و مصلحت‌اندیشی‌های فردی و خانوادگی جای پابداشت از منافع ملی و منافع جمعی را می‌گیرد.

❧ **آیا دولت اصلاحات توانست جامعه مدنی را تقویت کند؟**

البته دولت آقای خاتمی در شکل‌گیری و تقویت جامعه مدنی بی‌تأثیر نبود، اما اینکه آیا راهکارهای رستی در قبال جامعه مدنی اتخاذ شد یا نه، قابل بحث و بررسی است. اصلاحات در خوش‌بینانه‌ترین حالت توانست یک بسیج توده‌ای برای یک هدف دموکراتیک راه بیندازد. جامعه مدنی زمانی تقویت می‌شود که دولت تنها در امور ضروری دخالت کند و نهادهای و تشکیلات مدنی بتوانند قدرت را در دست بگیرند و به تدریج نقش اقرین همنند. **آدمه از صفحه ۱۵**

روزنه

تسهیل روند استرداد محکومان ایران و روسیه

● **استرداد مجرمان یکی از مباحث مهم حقوقی در مراودات سیاسی میان کشورهاست و هرچه این ارتباط سیاسی قوی، مستمر و مثبت‌تر باشد، رسیدن به توافق برای استرداد زندانیان نیز تسهیل می‌شود.** اولین قرارداد استرداد میان ایران و افغانستان در سال ۱۳۰۷ بسته شد و در نهایت تا پیش از انقلاب اسلامی این قراردادها محدود به چند کشور همسایه مانند عراق و ترکیه و چند کشور اروپایی مانند فرانسه، ایتالیا، رومانی و... بود؛ اما اکنون با بیش از ۵۰ کشور این معاهده را داریم که نشان از اهمیت این معاهدات در روابط سیاسی میان کشور ما با سایر کشورها به‌ویژه کشورهای همسایه دارد. هرچند با تلاش بسیار، معاهدات استرداد مجرمان میان ایران و کشورهای همسایه به‌خصوص همسایگان شمالی در چند سال اخیر نتیجه‌بخش بوده است؛ به‌تازگی تلاش‌ها برای به‌نتیجه‌رساندن گفت‌وگو درباره استرداد مجرمان میان ایران و روسیه، نقشی جدی به خود گرفته است و احتمالاً در آینده نزدیک شاهد نتیجه‌بخش‌بودن تلاش‌های دستگاه قضائی و دیپلماسی باشیم. محمدباقر الفت، معاون اجتماعی و پیشگیری از وقوع جرم قوه قضائیه و جمال انصاری، معاون وزیر دادگستری و رئیس سازمان تعزیرات حکومتی که به منظور شرکت در نهمین همایش حقوقی سن‌پترزبورگ به روسیه سفر کرده‌اند، روز جمعه ۲۷ اردیبهشت ۱۳۹۸ با محافل کالپرین، معاون وزیر دادگستری فرادسیون روسیه، ملاقات و درباره راه‌های توسعه همکاری‌های قضائی میان دو کشور گفت‌وگو و تبادل‌نظر کردند. بنا بر اعلام سفارت ایران در روسیه، هیئت ایرانی در این گفت‌وگوها روند اصلاحات قوانین حقوقی و قضائی در داخل کشور را تشریح کرد. همچنین طرفین درباره موضوع تسهیل در روند استرداد محکومان تبادل‌نظر کرد و توافق و تأکید کردند روند تبادل اسناد و صدور احکام به صورت متقابل مساعدت و تسریع شود. در این دیدار، از مقامات روسی برای بازدید از زندان‌های شورمان دعوت شد که با استقبال آنها همراه شد. لازم به توضیح است قانون مربوط به استرداد مجرمان اردیبهشت ۱۳۳۹ به تصویب رسید. این قانون شامل دو فصل و ۲۷ ماده است. در ماده یک این قانون آمده است: در مواردی که بین دولت ایران و دولت‌های خارجه قرارداد استرداد منعقد شده، استرداد طبق شرایط مذکور در قرارداد به عمل خواهد آمد؛ اما چنانچه قراردادی منعقد نشده یا اگر منعقد شده حاوی تمام نکات لازم نباشد، استرداد طبق مقررات این قانون به شرط معامله متقابل انجام خواهد شد. بر همین اساس، ایران با کشورهای دیگر قرارداد استرداد مجرمان امضا کرده است. از میان کشورهای که امضاتکردن قرارداد استرداد با آنها به چالشی حقوق و سیاسی تبدیل شده، کشور کانادا است که به محلی امن برای مفسدان و مجرمان ایرانی متواری‌شده از کشور تبدیل شده است.

اصلاحیه

توضیحات لعیآ جنیدی درباره یک گزارش

● **در پی چاپ گزارشی در چهارشنبه گذشته درخصوص قانون اعطای تابعیت به کودکان متولد از مادر ایرانی و پدر خارجی، معاونت حقوقی ریاست جمهوری، اصلاحیه‌ای برای روزنامه «شرق» ارسال کرد که متن کامل آن در ادامه می‌آید:** «متأسفانه تیتیر مندرج در روزنامه «شرق» در روز چهارشنبه مورخ ۲۵ اردیبهشت با عنوان «قوانین ازدواج با تابعیت را تغییر دهیم» به نقل از خانم دکتر جنیدی، معاون حقوقی رئیس‌جمهور، نادرست و برداشتی خلاف واقع و نیز خلاف متن مصاحبه با ایراناست. از این رو ضروری است تا روزنامه «شرق» نسبت به اصلاح آن از طریق درج توضیح زیر اقدام نماید؛ در لایحه‌ای که اخیراً با تلاش مستمر دستگاه‌های ذی‌ربط به ویژه معاونت حقوقی رئیس‌جمهور تبدیل به قانون شد، به مادران ایرانی که با مردان خارجی ازدواج کرده‌اند اجازه داده شد تا برای فرزندان خود درخواست تابعیت ایرانی کنند. معاون حقوقی در پاسخ به سؤال گزارشگر ایرنا مبنی بر اینکه برخی منتقدان تأیید این قانون را عاملی برای افزایش مهاجرت غیرقانونی می‌دانند، لذا باید فرزندان حاصل از ازدواج‌هایی که بدون مجوز موضوع ماده ۱۰۶ قانون مدنی واقع شده‌اند، از این امکان برخوردار نباشند. اعلام کرد «قوانین مربوط به تابعیت و احوال شخصیه از جمله ازدواج نباید تنها با ملاحظات مرزبانی و امنیت مرزها تأیید یا تغییر یابد» و در واقع نگرانی‌های امنیتی باید از طرق دیگر از جمله تقویت مرزبانی و دیگر اقدامات مناسب مرتفع شود و نه با محروم‌نمودن فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان غیرایرانی. زیرا سیستم خون در شکل کامل خود شامل اعطای تابعیت به فرزند از جانب پدر و مادر هر دو می‌شود و محرومیت فرزند از تابعیت و هویت ایرانی در لرحای که اخیراً به دلیل عدم کنترل مناسب مرزها و ورود مهاجران غیرقانونی موجه نبوده و آثار نامطلوبی مانند محرومیت از حقوق شهروندی و به تبع آن احساس تبعیض و خشنونت‌گرایی را به دنبال خواهد داشت که منشا بسیاری از آسیب‌های اجتماعی است».